

آقای فرماندار خجالت بکش!

سیامک بهاری

siabahari@yahoo.com

"علت بازماندن سی هزار کودک از تحصیل در کرج معلوم نیست!"

وضعیت آموزش و پرورش در همه ابعاد از هر زمان دیگر فاجعه بار تر است. در یک کلام، آجر روی آجر این وزارتخانه بند نیست. هر روز گوشه ای از این فاجعه آشکار میشود. خبرگزاری ایسنا، چهارشنبه اول تیر ماه ۱۳۹۰ نوشت: مهدی ایران‌نژاد، فرماندار کرج گفته است: "این شهرستان با کسری ۳۰ هزار سرانه دانش‌آموزی مواجه است که علت بازماندن افراد مذکور از تحصیل معلوم نیست." و اینکه "یک پنجم سرانه جمعیت در این شهرستان باید دانش‌آموز باشند، یعنی باید کرج دارای ۳۶۰ هزار دانش‌آموز باشد، ولی در حال حاضر ۳۳۰ هزار دانش‌آموز در کرج مشغول به تحصیل هستند که معلوم نیست به چه دلیلی این افراد از تحصیل بازمانده‌اند."

این فرمانبردار اسلامی کرج باید در نوع خودش آدم جالبی باشد. بالاخره بفکرش رسیده که برود سراغ آمارهای "فوق دقیق" در اداره مربوطه اش، لابد خیلی هم فکر کرده، شاید هم چند باری نیت کرده و استخاره گرفته و آخرش دل به دریا زده که بپرسد چه بر سر دانش‌آموزان این منطقه آمده است. سی هزار دانش‌آموز، فقط در حوزه فرمانداری ایشان غیبتشان زده است. شرط می‌بندم حالا که دوره جن و جنگیری در دستگاه حکومتی برو بیای بیشتری پیدا کرده است. سراغ جن گیر و رمال و سر کتاب باز کن و چاه جمکران چی و همه از این نوع رفته است، که این سی هزار تا دانش‌آموز که حداقل هر کدامشان یک چند ده هزار تایی شهریه میپرداختند، چه شده‌اند! فرماندار شهر کرج، البته یک گوشه کوچک از کرامات حکومت عدل اسلامی را شاهد آورده است.

فقط در آموزش و پرورش شهر کرج فعلا یک قلم سی هزار تایی دانش‌آموزان بجای کسب علم و دانش رفته‌اند پی کسب رزق و روزی. اما جناب فرمانبردار میگوید علت بازماندن افراد مذکور از تحصیل معلوم نیست!

فرماندار کرج خودش را سر کار گذاشته است یا مردم را نادان فرض میکند؟! مدتها پیش از ایشان، روسای آموزش و پرورش در یک حاتم بخشی محیرالعقول اعلام کردند در سال تحصیلی ۸۹ سه میلیون دانش‌آموز در مقاطع مختلف آموزشی از تحصیل باز مانده‌اند! یک رقم نزدیک به نیم میلیون هم به آن اضافه کردند که محبت کرده و آنها را کودکان بی هویت و بی شناسنامه قلمداد کردند و چون بقول اینها از اتباع خارجی بودند، حق تحصیل را از آنها گرفتند. این ارقام بر طبق آمارهای رسمی وزارت آموزش پرورش است که البته شتر با بارش در آن گم میشود!

آقای فرماندار کرج خودش را به نفهمی میزند! وگرنه میدانند که حرف سوخته تحویل داده است. آقای فرماندار اسلامی دارد از کی میپرسد؟ یعنی مردم بیایند جوایش را بدهند یا از وزارت آموزش و پرورش میپرسد؟ خوب ایشان میتوانند از وزارت آموزش و پرورش رقم کل کشور را بپرسد که نزدیک به چهار میلیون دانش‌آموز چه به سرشان آمده است مگر قرار نبوده برابر سنن اسلامی به دنبال علم تا چین و ماچین هم بروند پس چرا تا شاه عبدالعظیم هم نتوانسته‌اند بروند!

درجا از سر محل گرفته تا میدانهای اصلی شهر و هر کارگاه نمور و مخروبه، تا پشت دارقالی و زمین کشاورزی و دستفروشی و زباله گردی و غیره این دانش‌آموزان را بلعیده است!

اگر همه فرمانداران در سراسر ایران بخواهند آمار کسر سرانه دانش‌آموزان را بدهند بالغ بر چند میلیون دانش‌آموز خواهد شد؟ فرمانداران استانهای سیستان و بلوچستان و لرستان و کردستان و هرمزگان و ... باید آمارهایشان اعجاب انگیز باشد. در آنجا از صدها هزار دانش‌آموزی که تحصیل را رها کرده‌اند صحبت خواهند کرد؟

جواب مردم صریحا این است؛ آقای فرماندار خجالت بکش! این مردمی که شما چنین زیر دست و پای حکومت اسلامی دارید خردشان می کنید، همه چیز میدانند.

میدانند چرا سفره شان خالی است! بچه های ده دوازده ساله ای که مدرسه را ترک کرده تا لقمه نانی در سفره بی رونق خانواده بگذارند، میدانند که دستمزد پدر را که چندین ماه ندادند، امکان تامین هزینه تحصیل که سهل است، تامین قوت لایموت هم ناممکن است. آن دانش آموزانی که شما خودت را راجع به آنها به نفهمی میزنی دارند چرخ خونین سرمایه های امثال شما را میچرخانند، دارند کفشهای سرکار را توی خیابانها واکس میزنند، شیشه اتومبیلت را پاک میکنند. چشمت را بازکن، سرچهار راهها خیلی هایشان را می بینی، چشمت را هم باز نکنی خیالی نیست، دیر یا زود همین دانش آموزانی که از تحصیل غیبتشان زده چشمت را باز میکنند!

رئیس سازمان نظام روانشناسی ایران می گوید: "یک سوم دانش آموزان ایرانی ترک تحصیل میکنند و از چرخه آموزشی خارج می شوند و در معرض آسیبهای اجتماعی و کجروی قرار میگیرند. وی اعلام کرده است که طبق آخرین آمار مستند بدست آمده، دو میلیون و چهارصد هزار لازم التعلیم از تحصیل در سال تحصیلی گذشته بازمانده و در یکی از مقاطع تحصیلی از ابتدایی تا پایان متوسطه ترک تحصیل کرده اند!"

و در همین زمینه مصطفی اقلیما، رئیس به اصطلاح انجمن علمی مددکاران ایران و عضو شورای بررسی آسیبهای اجتماعی اعلام میکند که سالیانه ۲۵ درصد از دانش آموزان ترک تحصیل می کنند. فتاح نیازی، معاون آموزشی "مؤسسه آموزش از راه دور" اعلام کرده است که در سطح کشور بیش سه میلیون نفر از دانش آموزان ترک تحصیل کرده اند که لازم التعلیم هستند و بین ۱۱ تا ۱۷ سال سن دارند."

یک آموزگار در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان در باره میزان ترک تحصیل دانش آموزان را می گوید: "علت اصلی این امر وجود شغل های کاذبی همچون حمل سوخت قاچاق و دلالی مواد مخدر است که متاسفانه درآمد این مشاغل به نحو چشمگیری بالا است و اگر خود دانش آموزان هم مایل به ترک تحصیل نباشند والدین، آنها را مجبور به اینکار می کنند زیرا معتقدند این کودکان اگر هم درس بخوانند بالاخره باید به سراغ همین مشاغل بروند و درآمد داشته باشند. این معلم معتقد است درآمد بالای این مشاغل باعث وسوسه دانش آموزان راهنمایی و دبیرستانی می شود به نحوی که خود آنها اذعان دارند که درآمد فقط دو روز از این مشاغل برابر یک ماه حقوق تدریس معلم می باشد."

حالا اگر میخواهید واقعیت نگرانی روسای آموزش و پرورش را بدانید باید سخنان رئیس کمیسیون آموزش و تحقیق مجلس اسلامی را بشنوید تا حساب کار دستتان بیاید.

کسی از خیل ارزل و اوپاشی که وزیر و صاحب منصب آموزش و پرورش شده انددلش برای ترک تحصیل دانش آموزان نسوخته است. نگرانی دقیقا اینجاست، ملاحظه کنید:

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اعلام کرد "علاوه بر تمام مباحث فوق، افت تحصیلی و به تبع، افزایش میزان دانش آموزانی که ترک تحصیل می کنند، در سال قبل ۴۲۰ میلیارد تومان به آموزش و پرورش ضرر زده است."

این حقیقت اصلی نگرانیهای دم و دستگاه آموزشی است. برای وزرات آموزش و پرورش دانش آموزان ممر درآمدند. پول به خزانه آموزش و پرورش واریز میکنند، شهریه میپردازند. خرج خودشان را خودشان میدهند!

سرانه هزینه تحصیلی که دولت برای هر دانش آموز در نظر گرفته، چیزی حدود هزار تومان و به نرخ امروزی دلار، کمتر از یک دلار است. همین مقدار ناچیز را هم آموزش و پرورش نتوانسته تامین کند.

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اسلامی میگوید: «حدود ۵۳۰ میلیارد تومان از کسری هزار میلیارد تومانی آموزش و پرورش مربوط به سرانه دانش آموزی و بخشی از مطالبات فرهنگیان است که باید هرچه زودتر پرداخت شود. که از فروردین سال ۸۶ تاکنون یک ریال بابت

سرانه دانش آموزی به مدیران داده نشده است و ما به سختی و از جیب خود، مدارس را اداره می‌کنیم.»

با اعترافات بالا سناریوی سیاه آموزش و پرورش اسلامی کاملتر میشود. در یک صحنه واقعی این سناریو، چندین میلیون دانش آموز از سرناچاری باید ترک تحصیل کنند و راهی بازار کار شوند. این را از بالا تا پایین آموزش و پرورش دارند تأیید میکنند که دانش آموزان بعلت فشار اقتصادی، گرانی سرسام آور و بیکاری و بیماری اعضای خانواده، قادر به تأمین هزینه تحصیل نیستند و باید نان آور خانواده شوند. آنجا هم که هنوز تعدادی باقی مانده اند آموزش و پرورش حتی یک ریال بابتشان خرج نکرده است. از کل بودجه آموزش و پرورش نود درصد آن صرف پرداخت مستمری ناچیز آموزگاران و سایر پرسنل آموزشی گردیده است.

نمایندگان مجلس اسلامی از کسر بودجه شش میلیاردی آموزش و پرورش در ۷ ماه اول امسال خبر میدهند!

بیش از هفتاد درصد از کسری بودجه دولت متعلق به وزارت آموزش و پرورش است و نهصد میلیارد تومان از کسری وزارت آموزش و پرورش فقط مختص پرداخت حقوق است و این امر موجب شد تا آموزش و پرورش از تابستان امسال با پرداخت نشدن حقوق حق‌التدریسی‌ها، کارکنان شرکتی و مزایایی مثل پاداش معلمان روبرو شود. مشکل اساسی دیگر تأمین اعتبار سرانه دانش آموزی بود که باید در اختیار مدارس قرار می‌گرفت، البته تاکنون این سرانه در اختیار مدارس قرار نگرفته است.» اینها را نمایندگان مجلس اسلامی دارند بیان می‌کنند.

این دقیقاً همان الگوی آموزش و پرورش اسلامی است، در آن شک نکنید.

آقای فرماندار کرج! این سی هزار دانش آموزی که غیبتشان زده، از برکت وجود مشتی حقه باز و مفت خور و اوباش به نام وزیر و صاحب منصب آموزش پرورش و در اوج فالاکت اقتصادی که دستگاه حکومتی جنابعالی منشا و مسبب آن است، به این روز گرفتار شده اند.

اگر آموزش و پرورش به معنای واقعی آن رایگان و اجباری می‌بود. اگر حق و حقوق کودکی دانش آموزان تأمین میشد. اگر دولت درمقابل میلیونها کودک و نوجوانی که حق دسترسی به آموزش و امکانات تحصیلی دارند، خود را موظف و مکلف میدید. آنگاه باید تضمین و تأمین امکانات آموزشی کودکان برابر آخرین استانداردهای جهانی بوسیله دولت در بالاترین سطح ممکن، انجام میشد. اما این دولتی است که میخواهد تازه از قبل دانش آموزان درآمدی هم داشته باشد.

این حکومت نه در توان دارد و نه قادر است و نه می‌خواهد که آموزش و پرورش رایگان و اجباری را تضمین کند و کمک هزینه‌های لازم برای خدمات آموزشی رایگان را مستقل از وضعیت خانوادگی کودکان و نوجوانان تأمین کند.

وضعیت فاجعه بار آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران یک نمونه تمام عیار نه تنها از بی صلاحیتی کامل دستگاه حکومتی بلکه جزیی از دستگاه کودک آزاری سیستماتیک جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی با چنین آموزش و پرورشی، عامل اصلی محرومیت از تحصیل میلیونها دانش آموز و آواره کردن آنها در بازار بیرحم کار و عدم دسترسی آنان به علم و دانش است.